



نمیدانم که در طرح بزرگ خدا من چه نقشی دارم و چه سرنوشتی، ولی این قدر مطمئنم که بی هیچ نیست.

(دکتر علی شریعتی)

-بجز «چشم انداز» مسولیت دیگر موضوعات به نویسندگان آن بر میگردد .
-ماهنامه از مقالات شما استقبال میکند .
-ماهنامه در ویرایش مطالب دست باز دارد .
-علم و عمل از تمام اندیشه های هدفمند عوت به همکاری مینماید .

سال اول * شماره ۷ * جوزا ۱۳۹۲ هجری شمسی / شعبان المعظم ۱۴۳۴ هجری قمری / جون ۲۰۱۳ میلادی

چشم انداز:

علم و عمل ارتقا دهنده استعداد های نهفته جوانان :

در پیش آهنگ انتخابات سروصدا های خدمت به مردم باز هم شروع شد و دیدوبازدیدهای نمایشی و مهمان خوری ها آغاز گردید و باز هم حرف های خوش لهجه قلمی با کلمات دینی در پشت بلند گو ها و استیج های محافل عمومی از قبیل روزهای عید و جشن یا مراسم های درگذشت شخصیت ها آهنگ مظلوم بودن مردم غور مخصوصاً ولسوالی لعل و سر جنگل را طنین انداز میکنند و از مردم می خواهند که بصورت پر شور در انتخابات شرکت نمایند و نمایندگان خود را با رأی شان انتخاب نمایند تا از حقوق ایشان دفاع نماید و میگوید ما برای رفع مشکلات مردم و منطقه از کابل ویا مرکز ولایت خدمت شما مردم آمدم انشا الله مشکلات شما مردم با صبر و حوصله به مرکز انتقال داده و در پارلمان مطرح می کنیم ویا در شورای ولایتی به نمایندگی از شما مردم ولسوالی لعل و سر جنگل از حق شما خواهیم دفاع کرد، اینها همه یک مشت مزخرفات بیش نیست و خیال بافی های برای این که مردم بیچاره را فریب داده و توسط رای ایشان دوباره خود را به قدرت برساند و به دنبال سیاست های یک بام دو هوا و عوام فریبانه و بعد از اینکه سر مردم را از آب چرب نموده برونند و از موقف نمایندگی مردم مظلوم استفاده و به جمع آوری مال و پول بپردازند ویا به نفع چند تن از افراد خاص تلاش نمایند تا حق تلفی نموده و اقارب خویش را به بست های دولتی مقرر نماید و این موارد را این وکیل ها بارها نشان دادند که به اعتماد مردم و رای مردم خیانت کردند و بعد از وکیل شدن دیگر حتی با مردم به زبان نرم حرف نمی زدند و بارها در تمام عرصه ها با بی شرمی تمام حق این مردم را به منافع شخصی خود ترجیح نداده و فروخته اند یا شما وکیل بوجی های کمک گندم، یا آمرین مکاتب هستید، ویا دلایان مردم فروش ... آیا مردم لعل و سر جنگل دوره فعلی را خواهند یاد برد؟ آیا این حق تلفی های اشکار را فراموش خواهند کرد تا بار دیگر خائنین ملی و معامله گران سرنوشت اولاد این مردم را به کرسی خیانت بشانند این بار نخواهد حیل های شیطان صفت های تاریخ بر ساد دلی این مردم غالب شو ند و یک بار دیگر مردم را در دام حسرت بیندازند و جزا ندامت راهی نداشته پس با مثال عام می گویم آموزده را آزمون خطاست تا پشیمان نشوید.

مصاحبه با آمر معارف ولسوالی لعل و سر جنگل:

ماهنامه: آقای مشفق برای اولین سوال، شما به حیث آمر معارف ولسوالی لعل و سر جنگل چه پلان های جدیدی غرض بهبود وضعیت معارف لعل و سر جنگل در سال ۱۳۹۲ دارید؟

مشفق: در قدم اول اظهار سپاس و تشکر از ماهنامه دانشجویی علم و عمل که برای بررسی آخرین وضعیت از معارف لعل و سر جنگل به امریت معارف مراجعه کردن و به جاست که تقدیر نمایم از ماهنامه دانشجویی علم و عمل که در دفعات قبلی با معلومات گرفتن از امریت معارف واز جریان و نحوه کار کرد های معارف یک سلسله تاثیر گذاری های در ایجاد یک پروسه سالم در جامعه پیشروی مردم قرار داده اند، معارف فعلاً با مشکلات بسیار زیادی مواجه است مجموع پلان ها و برنامه های که لازم است

در جریان سال ۹۲ بر سر آن دقت صورت بگیرد! می توانیم در چند بخش آن را دسته بندی نمایم یکی از موارد مهم کار روی ظرفیت سازی ساختمان های مکاتب و بخش تدریسی و ایجاد صنوف می باشد، فعلاً ما در معارف لعل و سر جنگل ۷۶ باب مکتب داریم تقریباً بیشتر از ۳۰ باب مکتب ما تعمیر ندارد و در حدود سیزده یا چهارده باب مکتب تعمیرات شان ۳ سال، ۴ سال ویا ۶ سال شده که نیمه کاره باقی مانده و در قدم اول کار روی اینها باید صورت بگیرد و با بعضی از انجوها ویا موسسات که همکاری می کنند در قسمت بودجه صحبت شود موسسات و دونر های که قبلاً مکاتب را کار کردند و فعلاً غافل هستند اینها از طریق مراجع ذیربط تعقیب شوند که اینها بر سر کارها خویش برگردند و این مکاتب تکمیل گردند مشکل بعدی این است که اکثر مکاتب ما دارای زمین مشخص نیست ما می خواهیم با مردم صحبت نمایم تا بتوانیم زمین و جای برای تعمیرات و ساختمان های مکاتب تهیه شود. پلان بعدی ما در قسمت معلمین و مدرسین ضعیف است که باید در این قسمت توجه صورت بگیرد، مشکل بعدی دیگر که قابل توجه است در حدود دوصد شعبه ما در سطح معارف بدون معلم می باشد ما در تلاش هستیم با هیئت رهبری معارف و مراجع ذیربط مثل ریاست، وزارت وکلای پارلمان، وکیل شورای ولایتی و با مردمانی که به نحوی نسبتاً مرتبط با معارف هستند، در تماس شویم تا کم و کاستی های معارف را بر طرف نمایم . مورد بعدی این است که ظرفیت آشنائی معلمین و متعلمین و ادارات را با روند معاصر تعلیم و تربیه تقویه نمایم از طریق معرفی معلمین به کورس ها و بر گذاری و رکشاب های اداری و منجیمیت و ظرفیت سازی بتوانیم این مشکلات را بر طرف نمایم

عمده ترین مسائل همین موارد است .

ماهنامه: آقای مشفق شما بحیث یک چهره جوان در معارف لعل و سر جنگل چه تدابیری در راستای کمبود کتب درسی روی دست دارید آیا این مشکلات در سال جاری قابل حل است یا خیر؟

مشفق: اگر چند نمی توانم بگویم قابل حل است و دلایل روشنی وجود دارد از طرف وزارت معارف در قسمت رساندن امکانات تدریسی و لوازم درسی از قبیل کتب و قرطاسیه باب از خود مرکز کابل به ولسوالی های دور دست اینها دچار مشکل اند و گذشته از آن یک سری عدم شفافیت ها در فورمه های گزارش دهی که وزارت معارف از اداره های قبلی نیازمندی های شان را مطابق به طرح و پالیسی وزارت معارف گزارش داده نشده تا وزارت معارف بر مبنای آن نقطه ضعف که وجود داشته، امکانات خود را عیار بسازد. مشخصاً قبل از آنکه به امریت معارف برسیم هم برای رئیس صاحب معارف در غور و حتی در وزارت صحبت های داشتیم و انشا الله در زمان کوتاه بعد از پروسه جایجای معلمین در مکاتب تصمیم دارم در ریاست معارف و یا حتی در خود وزارت مراجعه نمایم و کوشش کنم که حداقل امکانات معارف را از آن جا تامین نمایم ولی باور ندارم که مشکل کتب صد درصد قابل حل باشد.

ماهنامه: شما در روز تحویل گیری امریت معارف صحبت های داشتید در رابطه به معلمین چهارده پاس به مکاتب اطراف تا حال به تعداد چند نفر از اداره شما به مکاتب اطراف فرستاده شده اند؟

مشفق: تعداد چهارده پاس ها به ذهنم نیست ما در طی یک مکتوب رسمی به اداره دارالمعلمین تعداد فارغین سال ۹۱ چهارده پاس و تعداد معلمین بر حال که در حال حاضر در صنف سیزده داخل خدمت اندخواستیم.



آقای کهزاد سرپرست دارالمعلمین یک لیست را در اختیار ما قرار دادند و ما بر طبق لیست ترتیب شده اسامی را به کمیسیون تعیینات راجع کردیم و این تعداد تقریباً در حدود ۱۵۰ نفر می رسد که کمیسیون تعیینات اینها را در مکاتب جا به جا کرده چون معلم بوده فقط داخل خدمت خواندن اما از اینکه در کدام مکتب و چه تعداد وجود دارد هنوز چون پروسه تعیینات نهایی نشده کمیسیون تا به حال گزارش خود را به امریت روان نکرده است فقط گفته می توانیم که چهارده پاس ها به اندازه نیاز لیسه ها و متوسطه ها میتواند باشد و لیسه ای نیست که در آن چهارده پاس وجود نداشته باشد.

ماهنامه: در قسمت صحبت های قبلی شما حرف های در رابطه به یک یونیفورم مشخص برای طبقه انانث وجود داشت تا حال در این پروسه چه اندازه موفق بودید؟

مشفق: در تاریخ ۲۰ حمل جلسه عمومی داشتیم با جمعی از سردارات مکاتب که البته نسبت عدم پیام رسانی دقیق و وضعیت آب و هوا به صورت کل سردارات در جلسه شرکت نکردند با آنهم زیاد تر سردارات بود، ما در این جلسه ۱۷ ماده را به فیصله رساندیم که از جمله یکی از موارد تعیین یک نوع لباس برای طبقه انانث و ذکور بوده است در جلسه فیصله شد که قشر نسوان با یک لباس مشخص لباس سیاه و چادر سفید در مکاتب حضور پیدا نمایند و بالاتر از صنف چهار که کلان سال هاست باشد با یک چادر نماز در مکتب حاضر شود و یک لباس اسلامی هم می تواند باشد.

ادامه در ص ۳ ...

درین شماره:

مصاحبه با ... ص ۱



۱۳۹۲ سال ... ص ۲
ویژگی های معلم ... ص ۲

چهره نو ... ص ۲



مقصر کیست ... ص ۳

روز تولد ... ص ۳



آیازن را حقی ... ص ۴

اثرات مواد مخدر ... ص ۴

ترس از شکست ... ص ۳

مروری بر اوضاع ... ص ۴

۱۳۹۲ سال پر از امید و بیم

غلام حسین رسولی

ولسوالی لعل و سرچنگل یکی از امن ترین، پرنفوس ترین و در عین حال یک ولسوالی فراموش شده ولایت غور می باشد که در طول (۱۱) سال دوره حکومت از بازسازی و انکشاف چندان برخوردار نگردیده یگانه دست آورد (۱۱) ساله دولت در این ولسوالی امنیت است که این امنیت را خود مردم تأمین نموده و اگر نه مسئولین امنیتی توانای تأمین امنیت را ندارد، دیگر هیچ تغییری به چشم نمیخورد با همان سرک، مکتب، شفاخانه و... ابتدایی قبل از دوره حکومت آقای کرزی باقیمانده که علت این بی توجهی ها شاید ترکیب متفاوت قومی این ولسوالی که نسبت به دیگر ولسوالی ها دارد؛ باشد اگر چنین دلیل وجود نداشته باشد چراسدای این مردم شنیده نشده و به خواسته ها و مشکلات شان توجه صورت نمیگیرد؟ در صورتیکه تمام مسئولین ولایت حد اقل یگبار در دوره زمامداری شان وضعیت و مشکلات این ولسوالی را از نزدیک دیدن نموده و با ورق های از یاد داشت و وعده های چرب برمیگردد اما بارسیدن به آنجا وعده ها و یاد داشت فراموش گردیده یا به زباله دانی انداخته میشود که تا هنوز از آن وعده ها خبری نیست. نماینده های این ولسوالی در شورای ولایتی و پارلمان فرصت شنیدن و رساندن صدا و مشکلات مردم را تاحال پیدانکرده فقط به کارها و زد و بند های شخصی و یا به دخالت کردن در کار های مردم و ادارات دولتی که تقریباً رسالت و جزء از وظایف شان گردیده مصروف است پس چه کسی مدافع حقوق مردم باشند؟

خوشبختانه در اواخر سال ۱۳۹۱ تبدیلی ولسوال و آمریت معارف و همچنان در اوایل سال ۱۳۹۲ تبدیلی قومندانی امنیه، مدیریت امنیت ملی و آمریت های لیسسه ها امید و بیم های را به همرا داشته اگر این افراد که با بوجی های از شعار وارد صحنه گردیده به آن شعار ها جامه عمل پوشانیده و یک تغییر مثبت را ایجاد نماید امید و اگر مثل گذشته ها این شعارها نقش بر آب یا رنگ و بوی قومی و حزبی را بخود اختصاص دهد بیم است که از مدت زمانی مردم داشته و از این ناحیه رنج دیده است. از دیر زمانی بدینسو شعار های بسیار زیبا، جالب و بدون عمل از جانب افراد مختلف داده شده خصوصاً در دوره های انتخابات که این شعارها تنها وسیله گرفتن رأی و فریب مردم بوده و به زودترین فرصت ماهیت اولی و اصلی شعار دهنده آشکار و شعارها گرایش قومی و حزبی را گرفته و یا اینکه به باب فراموشی گذاشته شده که تا هنوز هیچ شعاری درین ولسوالی جامه عمل نپوشیده، باور مردم نسبت به شعار دهنده کم رنگ گردیده که این شعارها را لاف یا فریبی بیش تلقی نمیکند. امید است این بار شعارها و تعهدات جامه عمل پوشیده و به سمت وسوی خاص و به میل افراد خاص به صورت غیر عادلانه سوق داده نشده با در نظر داشت مشکلات و به طور مساویانه و عادلانه تطبیق شده و حرف و عمل یکی گردد.

ویژگیهای شخصیتی معلم و نقش آن در آموزش :

روانی وقتی سالم گفته میشود که فعالیت های ذهنی وی بدون مانع باشد و برعکس به همان اندازه بیماراست که راه عملکرد های ذهنی اش بوسیله موانع مسدود شده باشد .

پس درحقیقت از آنجاییکه سروکارمعلم با اطفال است باید از حیث جسم سالم و دارای روح قوی و بشاش باشد. چه اگر معلمی سلامت جسمی و تعادل روانی نداشته باشد در هنگام تدریس زودخسته شده درس مورد نظرا به وجه احسن به شاگردان خود ارایه کرده نمیتواند. معلم سالم و صحتمند علاوه برآنکه میتواند در تمام فعالیت های صنفی شاگردان سهیم گردد و دارای روحیه بشاش و متعادل بوده و بخصوص وضع ظاهری او نشان دهنده مسرت و همکاری میباشد سلامت جسمی و تعادل روانی از ویژگی های مهم هر معلم است. کسی که شغل معلمی را برعهده دارد باید از نظر جسمی و روانی متعادل باشد داشتن بیماری های روانی و عصبی از قبیل فشار، افسردگی، عقده های روانی، حقارت، عصبانیت و بی عاطفه بودن معلم فوق العاده بالای روحیه شاگردان تاثیرات منفی بجاکذاشته و پروسه آموزش را خدشه دار میسازد. دیگر اینکه چون جامعه معلم را نماینده خود در انتقال دانشها و اعتقادات انسانی و اجتماعی میداند و انتظارات مردم از معلم نسبت به دیگران بیشتر است و معلم سرمشق و الگوی فرزندان جامعه بخصوص برای اطفال و نو جوانان نمونه برانزده انسانیت و عضو شایسته در جامعه میباشد .

۲- سلامتی فکری :

داشتن قدرت تفکر و تعقل، برخورداری از تفکر منطقی و استدلال ، قدرت درک مفاهیم و موضوعات، قدرت قضاوت و استنتاج، جهان بنی وایدیولوژی روشن و نظایران، از ویژگی های مهم دیگری معلم به شمار میرود و هر معلم موفق و مسلکی باید از این سجایای مهم برخوردار باشد .

۳- تقوی :

یکی از ویژگی های مهم معلم، تقوی است، اگر معلمی آراسته به خوی و خصلت تقوا نباشد، نسلی که تحت تعلیم و تربیت او میباشد عاری از این صفت خواهد بود و کسی که تقوای نداشته باشد تحت تاثیر فرهنگ های مخرب قرار خواهد گرفت و پدیده های تهاجم فرهنگی را با استقبال خواهد پذیرفت و یا اینکه دچار غرور علمی کاذب خواهد گردید .

۴- تعهد و وظیفه شناسی :

یکی دیگری از خصلت های مهم معلم تعهد و وظیفه شناسی است. اگر معلم همگام با جامعه پیشرفت کرد و بر تمامی زوایای علوم و فنون جدید دست یافت و امادگارش و مسولیت اش به خصلت تعهد و وظیفه شناسی آراسته نگردد و از زیر بار مسولیت به بهانه های مختلف گریزان بود، تعهد در انجام و ظایفش نداشت ، جز زیان و خسارات و ناکامی برای جامعه و شاگردان ارمغان دیگری نخواهد آورد اگر معلم آنچه را میداند و انجام میدهد یعنی تعهد در کارش موجود است ، از زیر بار مسولیت به بهانه های مختلف نمی گریزد ، تاخیر در کار ندارد، وقت درش را تلف نمی کند ، ایثار و فداکاری در کارش موجود است فقط به جنبه های مادی وظیفه معلمی نمی نگرد ، میتواند به حیث یک معلم مسلکی و متعهد، صادقانه برای تربیت اولاد وطن خدمت نماید بنیاء مهمترین ویژگی برای یک معلم، داشتن تعهد و احساس مسولیت در برابر سرنوشت متعلمین است. بسا معلمین پیدامی شود که متاسفانه روحیه تعهد و وظیفه شناسی ندارد و فقط هدفش «اخذ معاش» است نه بالابردن سطح دانش شاگردان.

غلام علی رسولی

چهره نو

ماهنامه : آقای رامش لطفاً خود را به صورت مختصر معرفی واز فعالیت های فرهنگی خود نام ببرید؟

رامش: بنده حمیدالله رامش فرزند میرحسین در سال ۱۳۶۳ در ولایت کابل متولد شدم تعلیمات ابتدائی را در مکتب متوسطه قلعه بختیار دارلامان شهر کابل و دوران لیسسه را در مرکز ولسوالی لعل و سرچنگل سپری نمودم و در سال ۱۳۸۴ از این لیسسه بدرجه عالی فارغ و در امتحان کانکور همان سال شرکت نمودم و بعد از سپری کردن آزمون کانکور راهی پوهنتون هرات پوهنحی تعلیم و تربیه رشته کیمیا و بیولوژی شدم و در سال ۱۳۸۸ از این رشته فارغ التحصیل گردیدم و بعد از سپری نمودن پروسه امتحان رقابتی بحیث ترین ولسوالی لعل و سرچنگل در سازمان اسکان بشر ملل متحد هییتات ایفاء وظیفه نمودم، در جریان همان سال عضوی اکادمیک سازمان متخصصان توسعه افغانستان فعالیت داشتم و بحیث مسئول کادرفنی ماهنامه دانشجویی علم و عمل فعلاً مباحثم، و مشاور مالی اتحادیه کارگران و کارکنان افغانستان ولایت غور هستم.

ماهنامه : در رابطه به سوال اول از شما می خواستم نظرتان را در رابطه به پروسه انتخابات داشته باشیم؟

رامش: در جواب سوال اول تان باید گفت پروسه انتخابات در افغانستان یک پروسه جوان و یکی از اصل های دیموکراسی در افغانستان است که میتواند تحکیم قانون و ثبات سیاسی را در پی داشته باشد اما متاسفانه انتخابات متأثر از ناهنجاری های بیرون و دست خوش عوامل خارجی گردیده است و این پروسه را بحوی زیر سوال برده است.

ماهنامه : یکی از چالش های مهم انتخابات در ولسوالی لعل و سرچنگل چیست؟

رامش: چالش های انتخاباتی در دیگر ولایت و ولسوالی های افغانستان نامنی و حضور افراد مسلح بوده اما در ولسوالی لعل و سرچنگل نا امنی چالش نیست چون مردم طرفدار نامنی نیست اما مهمترین چالش انتخابات کثرت تعداد نامزدان در انتخابات میباشد. که مردم را در حالت سردرگمی قرار میدهد و باعث ضایع شدن آرای مردم میشود.

ماهنامه : به نظر شما چطور شود از بین اکثریت کاندیدان کاندید برتر را شناسائی نمود؟

رامش: این مورد بستگی به قضاوت وجدان مردم می باشد وقتی پوسترهای رنگارنگ کاندیدان را با شعارهای غلط آمیزایشان بنگرید هر شخص این را درک می کند که این شعارهای بزرگتر از اندیشه ایشان میباشد و اکثراً نمیدانند که ما چرا این کرسی ها را غصب نموده ام. مردم لعل و سرچنگل باید در پیش خود قضاوت کنند.



ماهنامه : آیا انتخابات قبلی از نظر شما شفاف بوده است ؟

رامش: اگر خوب گسترده فکر کنیم در سطح افغانستان و بعداً در سطح ولایت ها بعداً سطح ولسوالی های ولایت غور (۹) واحد اداری دارد یکی آن ها ولسوالی لعل و سرچنگل است نسبت به (۸) واحد دیگر گفته میتوانم بله تا جای شفاف بوده امنیت حاکم است دیگر ولسوالی های ولایت غور به اندازه ولسوالی لعل و سرچنگل شفاف نبوده نامنی زور گوی تقلب وجود داشت سرصداهای مردم را در مورد شفاف نبودن پروسه انتخابات به گوش ها شنیده میشد.

ماهنامه : به عنوان آخرین پرسش آیا وکلای که در پارلمان و شورای ولایتی اند وکلای محبوب مردم اند؟

رامش: در قسمت سوال شما باید گفت که نمیتوانم بگویم که محبوب است یا نه آن را خودی مردم قضاوت کنند کاری که اینها انجام میدهند آیا قابل قبول است یا نه.

ماهنامه: با اظهار سپاس از حمیدالله رامش مسئول کادرفنی ماهنامه دانشجویی علم و عمل .

مقصر کیست؟

روز تولد

قربان علی
الفت

قربانعلی الفت

زمینه شد. جنرال خدایار (قدسی) معاون زون سپین غر ضمن صحبت روی ویژه گی های این چهره عدالت خواه ، وضعیت و جریان حاکمیت دولت را در غور مورد انتقاد قرار داد و گفت! اگر آقا فخرالدین ((شهریار شرق)) در منطقه دولتیار کشته میشود او یک شورش است و علیه دولت دست به شورش زده به قتل رسیده پس چرا تاوان آنرا مردم لعل و سر جنگل پرداخت نمایند؟ واز مقامات دولتی خواهان حل مشکل درین زمینه شد. الحاج حیدرعلی (اعتمادی) عضوی شورای صلح با بیان احیای هویت هزاره ها بوسیله مزاری واو را رهبر خرمند دانسته واز مزاری به عنوان یک خاطره فراموش ناشدنی تقدیر کرد. وی نیز موضوع فرار دختران را یک بحران دانست وگفت دختران باید به ابرو وعزت خانواده خود احترام بگذارند وی از نامنی مسیر دولتیار نیز یاد آور شد وگفت اگر برادران دولتیار

روزی جمعه مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۰ از سال روز تولد حضرت علی (ع) وروزی تولد دبیر کلی حزب وحدت اسلامی افغانستان شهید عبدالعلی مزاری طی محفل گرمی به عمل آمد این محفل با اجرای برنامه های مختلف چون سخنرانی،سرود،طنز، آهنگ های محلی دراستیج عمومی ولسوالی لعل و سر جنگل تجلیل صورت گرفت درین محفل که شخصیت های بزرگ و تاثیر گذار حضور داشت هر کدام شان به بعدی از ابعاد شخصیتی و عدالت طلبی امام علی (ع)ومزاری پرداخت سیدعلی (مشفق) اولین گوینده بود که درجلسه ایراد سخن خودرا ضمن صحبت پیرامون احیای هویت هزاره ها بوسیله شخصیت های چون کاتب هزاره ، ابراهیم خان گاو سوار، عبدالخالق ،علامه بلخی،شهید مزاری ،شهید کاظمیوشهید سجادی پرداخته واین حرکتها را با افهام از پیروی از مکتب اهل بیت



سنی اند لعل و سر جنگل شیعه اند هر دو با هم برادراند و باید به یک دیگر احترام بگذارند در پایان محفل حسین بخش (صفری) وکیل سابق مردم در شورای ولایتی غور به ایراد سخن پرداخت و در آخر ختم محفل با اهدای تحایف ودوعائیه غلام عباس انصاری پایان یافت .

عصمت و طهارت را برای نجات مردم از انحصار دانیست ، ولی از وکیلا و شخصیت های تاثیر گذار خواست تا در قسمت بهبود وضعیت معارف با مسئولین معارف همکاری نماید. به تعقیب آن محمد صادق (یوسفی) وکیل مردم در شورای ولایتی غور استاد مزاری را نماد از ارزش خواند وافزود مزاری چهره عادل و عدالت خواه



بود وی در لابه لای از صحبت ها خود شکل گیری وتلاش عده برای مخطل ساختن امنیت ولسوالی خیر داده واز ارگان های کشفی وامینتی خواهان توجه درین

این عداوت چیست؟ حال باید پرسد مقصر کیست؟ آیا ملت است باشوق تمام در تصمیم ها دوشادوش دولت در حرکت بوده و سرنوشت شش صدو هشتاد هزار نفوس را به بیست یک تن سپرده اند وبا وجود این بیست و یک تن؛ شفاخانه درین ولسوالی به یک مکان دراعتصاب قرار داده شده تبدیل گشته که وقت از موجودیت دوا حرف به میان آمد دوحمله قلبی گشته و در برابر این سوال خاموش ومدهوش می افتد؟ و کسی نیست که سرک های خامه را از لعل الی دولت یار به صورت اساسی داغگیری نماید و مریض داران لعل را از خرید دوا از دواخانه ها نجات دهد؟ ویرانی مکاتب ماتم دیگری است که هر روز اشک از چشم اطفال جاری می کند که گرایش ناشی از آفتاب سوزان تابستان پوست میدهد. و میشود پرسید که آیا این بیست و یک تن نماینده چشم دارند یا ندارند آیا دیدی سالم نسبت به اوضاع جامعه دارند یا ندارند؟ ولسوال چه وظیفه دارند؟ وکیل های شورا ولایتی والی ونمایندگان پارلمان و امر معارف برای چیست و چه وظیفه دارند اشخاص ذکر شده نماینده گان، دارایی مردم است یا ارباب تا چه الاختیار مردم؟

ادامه ص ۱...

شما کافی است؟
مشفق: در سال ۱۳۹۱ در قسمت تشکیلات ما ۴۹۹ معلم داشتیم و ۶۰ نفر اضا فه شده است و فعلا در سال ۱۳۹۲ (۵۵۲) نفر معلم داریم در این میان ۱۲ نفر مامور و ۱۳۴ نفر تحویلدار، در مدیریت سواد آموزی ۹ نفر معلم ، ۱ نفر اجیر و ۱ نفر مامور، در لیسه زراعت ۳ نفر معلم ۳ نفر مامور و ۱ نفر اجیر، در دارالمعلمین ۱۴ نفر معلم ۱ مامور ۱ اجیر با این تشکیلات در تعلیمات عمومی (۵۵۲) نفر معلم وبالغ بر ۷۰۰ شعبه درسی داریم که این تناقص خود نشان دهنده کمبود است و در حدود ۲۰۰ نفر کمبود داریم .

ماهنامه: این تشکیلات ۶۰ نفری برای کدام مکاتب در نظر گرفته شده است؟

مشفق: این ۶۰ تشکیل جدید از طرف وزارت در نظر گرفته شده اما این تشکیلات معیاری نبوده بلکه اکثر مکاتب که واقعا مستحق بوده برای ایشان تشکیل جدید در نظر گرفته نشده است ، وزارت بخاطر اینکه از مداخلات در مرکز غور و امریت ولسوالی لعل و سر جنگل جلوگیری کند هر مکتب را یک ، دو و یا سه نفر در نظر گرفته اند اما بخاطر این که تساوی بوجود آید تغییراتی در تشکیلات مکاتب از طرف ما صورت گرفته است و دلیل این مشکل عدم آگاهی وزارت از کمبودات است که ادارات قبلی گزارش دهی دقیق نداشته است.

ماهنامه: پیام شما به عنوان آمر معارف برای شاگردان ، معلمین و معارف لعل و سر جنگل چیست؟

مشفق: در جلسه اول ما یک شعار دادیم (سال ۹۲ سال تغییر وتحول در معارف است) این پیام به اقشار مختلف جامعه لعل و سر جنگل است تقاضا من از وکلای محترم پارلمان این است که از مداخلات منفی خود داری نمایند چون به نفع مردم و جامعه ما نیست وبا معارف همکاری کنند، از ولسوال و اراکین دولتی شان می خواهیم که در دوره کاری شان حداقل یک نام نیک بگذارند و از اولیا محترم شاگردان توقع داریم که همین طوریکه ولسوالی لعل و سر جنگل ولسوالی صلح است ولسوالی درس وتحصیل باشد واز جوامع مدنی، ماهنامه ها، اهل قلم و اهل فکر خواهش می کنیم که بر محوریت معارف بچرخند همان طوریکه ماهنامه دانشجویی علم و عمل بر مبنای علم که دارند عمل می کنند باقی دوستان هم همکاری کنند تا بتوانیم یک جامعه سالم داشته باشیم، باز هم از ماهنامه دانشجویی علم و عمل تقدیر و تشکر می نمایم .

مدت یازده سال از عمر حکومت می گذرد که در تمام موارد از حمایت جامعه جهانی برخوردار است حکومتی که در آن تمام آرزوهای ملت رنج دیده تمثیل میگردد آزادی بیان ، آزادی ، انتخاب، آزادی تحصیل در مجموع تمام خواست های حقیقی مردم کشور از حکومت قابل درخواست و پی گیری است و تمام مشکلات و ارائه آن آدرس مشخص خود را دارد. اما در غور که ولایت دور افتاده و در عین زمان دارای ارزش های باستانی وتاریخی توجه چندان صورت نگرفته و ولسوالی های ولایت غور با موج از مشکلات روبه رو است بی کاری نود فیصد افراد جامعه غور را به خود اختصاص داده و توجه دولت از بعد تشکیلات اداری گرفته تا نرخ ونوا کمتر است ویرانی مکاتب و سرک ها تبدیل به یک تراژید شده است در حالیکه درین ولایت پانزده نفر به نماینده گی از مردم غور در شورای ولایتی حضور دارند و شش تن در پارلمان ، ولی مشکلات غور در حال افزایش است به عنوان مثال! در ولسوالی لعل و سر جنگل سرک ها حکم سنگر جنگی را به خود گرفته در هنگام عبور ازین سرکها انسان دوچار وحشت گشته و به این سوال درگیر است که طرفین درگیر در کجا کیست؟ و جریان عداوت و اصول

ماهنامه: شما برای تعیین معلمین کدام معیارها را در نظر گرفتید؟

مشفق: در قسمت مقرری های معلمین بصورت کل دوشکل وجود دارد:

اول: مشکل ما در این است که معلمین بر اساس رشته وجود ندارد مثلا آمر لیسه امام علی این تقاضا را کردن که در لیسه مذکور معلمین بر اساس رشته استخدام شود که به خواست ایشان در حدود ۹۰ درصد جامعه عمل پوشیده شده اما کم و کاستی ها بیش از حد زیاد است تا این پروسه به صورت کامل تکمیل شود .

دوم: معیار بر این اساس بوده که در قدم اول لیسا نسه ها ، بعد چهارده پاس و بعد فارغین دوازده به همین ترتیب مقرری ها صورت بگیرد اما بیشترین تمرکز روی لیسه ها است چون در ظرفیت علمی بالاتری قرار دارد .

ماهنامه: شما در صحبت های مورخ ۹۲/۲/۱ خود اشاره به مداخلات بیرونی در معارف داشتید این مداخله گران از بیرون چه کسانی اند؟

مشفق: این مورد بسیار واضح ومشخص است که هم هیئت رهبری ماهنامه علم و عمل می دانند وهم جامعه مردم لعل و سر جنگل وهم اهل معارف می دانند تقریباً مداخلات از بخش های مختلف است کسی تحت عنوان موی سفید، کسی به عنوان زورمند محلی و بعضی از کسانی که نفوذ دارند، یکی از مداخلات واضح ومشخص مداخلات وکلا است، مداخلات جناب ولسوال است این دو مورد بیشترین مداخلات می باشد که بصورت مستند اسناد در دست داریم .

ماهنامه: دو مکتب شینیه چپرقل وشینیه هیکل از عدم معلم در مکاتب شان بصورت جدی شکایت دارند چه پاسخی در رابطه به شکایت این مکاتب دارید؟

مشفق: این مشکل نه تنها در این دو مکتب است بلکه مکاتب ما بصورت کامل با نبود معلم مواجه است دلیل اصلی این است که یک تعداد از معلمین ما صنوف درسی را حداقل برای سه سال ندیده است آنها از دروازه های مکاتب اسناد قلاچاق و قراردادی گرفته اند فعلا به عنوان معلم مقرراند و چیزی از پروسه معلم ومعلم داری سر در نمی آورند و جواب من به مکاتب این است که در این مدت کوتاه و به صورت معجزه آسا این بحران را حل نمی توانیم و به مرور زمان با فراغت محصلین ازدانشگاه ها و دارالمعلمین این معطل قابل حل است .

ماهنامه: در سال جدید تشکیلات وزارت معارف برای امریت لعل و سر جنگل چقدر است آیا این تشکیلات برای

آیا زن را حقی که دارد به مصابه یک مادر... :

سیدعلی رضا سادات



بی سواد و بدوراز بصیرت عقلی اند و عجلوانه تصمیم می گیرند و این خود باعث تباهی در زندگی آنها می شود پس در این میان قربانی کیست؟ بدون شک این خود زن است که قربانی این انتخاب عجلوانه می باشد. اسلام به زن حق داده است تا در قسمت انتخاب همسر سهیم باشد و رضایت آن را شرط قرارداده است در غیر آن صورت نکاح باطل است اما در افغانستان مخصوصا در ولایات حتی این حق اسلامی و دینی از آنها گرفته می شود بدون نظر دختر و باتصمیم گیری یک طرفه ازدواج صورت می گیرد که این در ذات خود از نظر اسلام مردود است چنین تشکیل خانواده بی بنیاد است و این گونه زندگی ها کم به مقصد می رسد و در نهایت منجر به جدای می انجامد.

این یک حقیقت هویدا است که افغانستان یک کشور اسلامی است و مردمان آن بر اساس یک سلسله باورها و سنن دیرینه خویش زندگی می کنند و در قدم دوم افغانستان یکی از کشورهای عقب مانده در سطح جهان است که از ابتدائی ترین امکانات رفائی زندگی بی بهره است که این مسائل باعث می شود که در این کشور نقض حقوق زن و حتی اطفال بوجود آید این امر باعث شده است که ناهنجاری های خانوادگی بوجود آید در این میان حتی حقوقی که در اسلام برای زنان به حیث یک انسان در نظر گرفته شده است پایمال می گردد یکی از دلایل این بی توجهی پایین بودن سطح فرهنگی مردم و آگاهی نداشتن نسبت به حقوق زنان و اطفال می باشد در چنین جوامع از نظر مردان زن به حیث یک موجودی است که از نظر طبقاتی درجه دوم قرار می گیرند و این طبقه بندی درجه دو باعث می شود که از حقوق ابتدائی آنها نقض شود اما اسلام چنین قضاوتی در برابر مرد وزن ندارد یکی از مسائل جنجالی در حقوق زن حق انتخاب در ازدواج می باشد که دختران هیچ گونه حقی ندارد فقط مردان خانواده در این قسمت تصمیم گیرنده اند اما این حق باید به آنها داده شود چون این حق را اسلام به آنها داده است در ضمن انتخاب دختران نباید مغایر با اصول و آداب باشد و در محدوده اصول اسلامی و اخلاقی نه آن طوری که در جامعه غرب و غربی ها ادعا دارند بدون هیچ محدودیتی حق انتخاب داشته باشند چون این کنترل و نظارت بر انتخاب در ازدواج بصورت عالی می تواند آینده خوبی را برای ازدواج کننده ببار آورد چون اکثر آ دختران

مروری بر اوضاع کنونی لعل و سر جنگل

قربانعلی الفت

افغان اید مشکلات است که گریبان مردم لعل و سر جنگل را گرفته است ویرانی سرکها قصه رنج آور دیگر است که در ولسوالی لعل و سر جنگل ادامه دارد و نیز تقرری محمدحسین صادقی به عنوان آمر نظارت در چوکات معارف نیز مشکلات بوجود آمده است اما سال ۱۳۹۲ را معارف با یک تحول جدید و برنامہ ها نو آغاز کرده است بر گزاری جلسات ماهواره شورای عالی لیسه ها و جلسه آمر معارف به آمرین لیسه ها جذب دو باره کمک های W.F.P درین ولسوالی و حق استفاده شاگردان دوره لیسه ازین کمک ها .

در مجموع ولسوالی لعل و سر جنگل تنها مشکلات در بخش صحتی دارد افزایش یافته و عدم موجودیت دکتر فعال در بخش مردانه نگرانی را بر انگخته است .

لعل و سر جنگل ولسوالی است محدود بر ولسوالی های پنجاب، بلخاب، سنگ تخت بندر و دولتیار؛ درین ولسوالی که از امنیت کامل بر خوردار است تحولات چشم گیر بوجود آمده است تبدیل آمر معارف و تبدیل آمر امنیت ملی و کشته شدن یک از باشندگان قریه ناظران از اثر خصومت شخصی و زخمی شدند دوتن دیگر درین درگیری و تبدیلی قوماندانی امنیت و تحولات در امریت های لیسه های ولسوالی لعل و سر جنگل که با سال ۱۹۹۲ بوقوع پیوسته و شایان ذکر است که فرار دختران تحول دیگر است که برا وضع منطقه افزوده شده است اما ولسوالی لعل و سر جنگل همچنان به چالش عمده دیگر مواجه است تهدید عامه بین این ولسوالی در مسیر دولتیار که پس از کشته شدن فخرالدین ((شهریار شرق)) قوماندان گروپ مسلح غیر قانونی به نام قوم زی حسین و سقوط موسسه

صاحب امتیاز : ماهنامه دانشجویی (علم و عمل)

مدیرمسؤل: سیدعلی رضا سادات ۰۷۹۷۹۴۲۴۶ S.R.S-SADAT-2012@yahoo.com

معاون مدیرمسؤل : غلام حسین رسولی ۰۷۹۹۷۴۷۰۷۷ - ۰۷۷۰۶۰۳۰۴۷

سرمدیر : همایون تمیم فکرت زاده ۰۷۹۴۴۸۳۵۵۰ - ۰۷۷۵۵۶۵۹۹۲

مسئول کادرفنی : حمیدالله رامش ۰۷۷۳۱۸۶۸۰

هیئت تحریر : قربانعلی الفت، کبری فصیحی زاده، غلام علی رسولی، عنایت الله شفیق، محمدحسین سبحانی .

ویراستار : محمدتقی حسین زاده ۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷

ایمیل : elmamal.monthly@gmail.com

آدرس : ولایت غور، ولسوالی لعل و سر جنگل - مرکز ولسوالی

قیمت : (۵) افغانی

نوت : ماهنامه هرنوع اعلانات تجارتي و تبلیغاتی شمارا میپذیرد.

تماس با ما :

۰۷۷۳۰۳۱۶۵۶ - ۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷

Elmamal.Monthly@gmail.com

اثرات مواد مخدر

حمیدالله رامش

تعریف مواد مخدر

مخدر: تخدیر کننده ، هرآنچه که باعث ایجاد تغییر غیر طبیعی در عملکرد دستگاه عصبی مرکزی شود مواد مخدر به آن دسته از ترکیبات شیمیایی گفته می شود که مصرف آنها باعث دگرگونی در سطح هوشیاری و عملکرد مغز شود. دسته بندی :

مواد مخدر را به چهار گروه اصلی تقسیم می کنند:

۱- مواد مخدری که واکنش های مغز را آهسته می کند.

اثرات: کم شدن سرعت تنفس و ضربان قلب - کم شدن فشار خون - خواب آور مانند(هروئین، تریاک، مورفین) .

۲- مواد مخدری که به سیستم عصبی بدن سرعت می بخشد.

اثرات: بیشتر شدن سرعت تنفس و ضربان قلب، بیشتر شدن فشار خون، جلوگیری از خواب مانند(کوکائین- نیکوتین).

۳- مواد مخدری که باعث حالت های مثل هذیان می شود.

اثرات: از دست دادن حافظه؛ لرزش؛ حالت استفراغ و عوض شدن اخلاق.

۴- مواد مخدری که از طریق استنشاق استفاده می شود.

اثرات: آهسته شدن فرآیند مغز، بیشتر شدن ضربان قلب و سردرد.

سرعت مسمومیت توسط مواد مخدر

- خوردن: بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه

- تزریق کردن در رگ: بین ۱۵ تا ۳۰ ثانیه

- تزریق کردن در ماهیچه: بین ۳ تا ۵ دقیقه

- استنشاق: بین ۵ تا ۸ ثانیه

- ریختن در چشم: بین ۳ تا ۵ دقیقه

آثار مواد مخدر بر مغز :

مهم ترین محل تاثیر مواد مخدر بر مغز است. در مغز گیرنده هایی وجود دارد که این مواد بر آنها اثر می کنند.

این گیرنده ها به ۳ گروه تقسیم می شوند:

۱- اثر بر گروه اول سبب تنظیم و کاهش احساس درد، کاهش فعالیت مرکز تنفس، بیوست و اعتیاد می شود.

۲- اثر بر گیرنده های دوم سبب کاهش احساس درد و افزایش حجم ادرار می شود.

۳- اثر مواد مخدر بر گیرنده های گروه سوم سبب کاهش احساس درد می شود.

تاثیر موارد مخدر بر بدن انسان ها : مواد مخدر آن دسته از سلول های دفاعی بدن را که مسئول از بین بردن مهاجمان به بدن هستند، کاهش می دهد. همچنین تمامی داروهای مخدر و روان گردان، سلول های مغز و نواحی مختلف بدن را تحت تاثیر منفی خود قرار می دهند و تعادل شیمیایی بدن را بر هم می زنند.

انواع مواد مخدر :

حشیش: به صورت تکه های جامد، از رزین گیاه شاهدانه می باشد، قهوه ای و یا مشکی است.

خطرات کوتاه مدت: احساس سردرگمی، اضطراب، هراس، بدگمانی، توانایی یادگیری کاهش می یابد، هماهنگی حرکات مختل می شود.

خطرات دراز مدت: پارانوئید، اسکیزوفرنی، جنون، روانپریشی، افسردگی و اضطراب، استعمال آن همراه با سیگار سبب آسیب جدی به ریه ها می گردد.

ماری جوانا از برگ، ساقه شاهدانه بدست می آید.

خطرات: پارانوئید، آسیب به ریه ها، سرفه و عفونت مجاری تنفس، برونشیت.

هروئین: از خشخاش بدست می آید، شکل تغییر یافته

مورفین است.

خطرات: بسیار اعتیاد آور است، هپاتیت، استعمال بیش از حد تنفس را متوقف کرده و سبب مرگ می شود. چون با موادی همچون گچ، آرد، تالک و غیره ترکیب می گردد استعمال تزریقی آن سبب ایجاد حساسیت در بدن و خارش شدید می شود. صدمه به قلب و عروق خونی، عفونت، هموروئید و سوء تغذیه، آسیب به کبد و کلیه.

کوکائین: گرد سفید رنگی که از برگ های خشک شده گیاه کوکا به دست می آید.

خطرات: استنشاق آن از راه بینی سبب آسیب به پرده میانی بینی شده و در آن ایجاد حفره می کند. آنقدر خطرناک است که با اولین مصرف می تواند سبب سکت قلبی شود. مشکلات تنفسی، آسیب به ریه، تشنج و مرگ ناگهانی. در دراز مدت نیز سبب پارانوئید، توهم، خشونت و کاهش وزن می گردد. به مغز و قلب نیز آسیب جدی می رساند.

اکستاسی : گرمزدگی، افزایش شدید گرمای بدن که بسیار خطرناک است، فرد برای رفع تشنگی ممکن است آب فراوان بنوشد که این خود سبب رقیق شدن بیش از حد خون و از میان رفتن تعادل سدیم خون شده و سبب تورم اعضاء بدن همچون مغز و در نهایت مرگ فرد می شود، پس از یکی دو روز بعد فرد احساس افسردگی و خستگی می کند، سبب آسیب به کبد، کلیه و مغز می شود، توهم گویی، استفراغ، تشنج.

کتامین : در کوتاه مدت سبب مشکلات بینایی، عدم تعادل و هماهنگی، توهمات وحشتناک و در دراز مدت سبب احساس گم گشتگی و جدایی از واقعیت می گردد.

آفتامین : در کوتاه مدت سبب احساس اضطراب، افسردگی و خستگی می شود، افزایش ضربان قلب و تنفس، اختلال در دید، خشکی دهان، سرگیجه و خشونت، مرگ ناگهانی و سکت قلبی شده و در دراز مدت سبب توهم، وحشتزدگی، کاهش وزن، آسیب به مغز و حافظه، تشنج و مرگ می شود.

قارچها : درد شکم، اسهال، تهوع و مرگ در پی مصرف قارچ های سمی.

جی اچ بی : تهوع، خواب آلودگی، احساس گم گشتگی، تشنج و مشکلات تنفسی.

حلالها : کوتاه مدت سبب تهوع، سرفه شدید، لکه اطراف دهان، خفگی و در دراز مدت سبب سر درد، خونریزی بینی، کاهش حس بویایی، کاهش اکسیجن به مغز و آسیب به مغز، آسیب به کلیه ها، کبد و سیستم عصبی و شش ها می شود.

استروئیدها : افزایش فشار خون، کلسترول بالا، بیماری کلیه و کبد، صدمه به قلب، دیابت، یرقان، افسردگی، رفتارهای خشونت آمیز. در مردان: رشد سینه، تحلیل بیضه، کاهش اسپرم، ناباروری، آکنه، سکت.

سرکوبگرها و مسکنها : اعتیاد آور، کاهش انرژی، کاهش حافظه، افسردگی، بی خوابی و حملات هراسی.

پی سی پی : عدم تمرکز، اضطراب، افسردگی.

تریاک خصوصیتی شبیه هروئین دارد. تریاک از گیاهی به نام کوکنار یا خشخاش گرفته می شود. با مصرف تریاک ابتدا نوعی خوشحالی زودگذر به شخص دست می دهد. پس از آن مرحله منفی آغاز می شود که فرد را به مصرف مجدد تریاک وا می دارد. حرکات ارادی معتاد پس از مرحله اول کند می شود و شخص نسبت به امور بی تفاوت می شود. مصرف تریاک می تواند باعث مسمومیت حاد و مزمن شود.

ترس از شکست

ما از نسیمی که هرگز آنرا احساس نمی کنیم بیمناکیم

و برای آن چه که هرگز از دست نمی دهیم غمناکیم

ترس نخوریم و نه هراسیم در هر کجا باشیم

ترس از مغلوب شدن پرید و باز با ارزیسیم نمی دانیم

ما تفسیر و تعبیر را می پذیریم با اینکه عمل مختل کردیم

باز باید گفت بی علاقه بودیم و مطالعه کم کردیم نخواندیم

در شامگاه کوچه برایم ز چراغان نگاه میکنیم نمی رویم

آخر چه شد ایستاد شدیم دیگری نمی ترسیم نمی ایستیم

به تو بگویم ای جوان عشق به علم و معرفت کردیم نمی خواستیم

تا اینکه «فصیح» بگوید در بار خود خواهانیم نمی فهمیم

کبری فصیحی زاده